

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۴۱ - سه‌شنبه ۹۱/۹/۲۸

همه‌ی آنچه تا به حال ذکر شد مربوط به حالتی بود که دو طرف قضیه از حیث احتمال و محتمل مساوی باشند؛ یعنی مثلاً مکلف ۵۰٪ احتمال می‌دهد که قسم بر ترک سفر یاد کرده است و ۵۰٪ احتمال می‌دهد که قسم بر انجام سفر بوده است، همچنین اهمّیت سفر (علی فرض وجوب) با اهمّیت ترک سفر (علی فرض حرمت) مساوی هستند.

طبیعی است این سؤال مطرح شود که اگر شرایط فوق تغییر کند و احتمال در یک طرف اقوی باشد یا محتمل در یک طرف اهم باشد، وظیفه چه خواهد بود؟

بررسی صورت قوت احتمال در یک طرف

فرض کنید مکلفی می‌داند که قسم بر سفر یاد کرده است (فعلاً او ترکاً) و گمان دارد که قسم به فعل سفر تعلق گرفته، مثلاً ۸۰٪ احتمال می‌دهد که باید به سفر برود و تنها ۲۰٪ احتمال می‌دهد که قسم بر ترک سفر بوده است.

بنابر مبنای مختار یعنی مسلک حق الطاعة طبیعی است که برائت عقلی در طرفین جریان ندارد. اما از جهت جریان برائت شرعی روشن است که ادله‌ی برائت شامل طرف مرجوح می‌شود، کما اینکه طرف راجح نیز به نظر ما مشمول ادله‌ی برائت است؛ زیرا نهایت آن است که مکلف ۸۰٪ احتمال می‌دهد که سفر بر او واجب باشد و این مانع جریان برائت نیست و همان‌گونه که در شبهه‌ی بدویه‌ی مظنون به برائت جاری می‌باشد در ما نحن فیه نیز برائت جاری است.

علم اجمالی موجود نیز نمی‌تواند منجّز طرف راجح باشد؛ زیرا علم اجمالی به جامع طرفین تعلق دارد (احدهما) نه بیشتر، بنابراین در صورتی که احتمال در یک طرف اقوی باشد هیچ تأثیری در جریان براءت در دو طرف وجود ندارد و علم به جامع نیز نمی‌تواند موجب احتیاط نسبت به طرف اقوی باشد.

اما اگر کسی قائل شود که براءت شرعی در هیچ یک از دو طرف جاری نمی‌شود و قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان را نیز منکر شود، لامحاله همان‌گونه که اصل احتمال برای او منجّز است قوّت احتمال نیز برای او منجّز خواهد بود؛ به دلیل آنکه دست او از براءت عقلیه و شرعیه خالی است و مسلک حقّ الطاعة بیان می‌کند تا معذّر شرعی وجود نداشته باشد مؤمنی برای مکلف در انجام عمل وجود ندارد و اگر فی‌الواقع حکمی وجود داشته باشد مستحق عقوبت خواهد بود. کسی که احتمال می‌دهد وجوب سفر بر عهده‌ی اوست و این احتمال از احتمال حرمت قوی‌تر است این شخص باید احتیاط کند و جانب احتمال قوی‌تر را اخذ کند.

حال اگر کسی قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان را پذیرفته باشد باز قوّت احتمال تأثیری نخواهد داشت؛ زیرا قوّت احتمال به معنای ظنّ بیشتر است و ظنّ بیشتر علی‌الفرض، بیان نخواهد بود؛ به خاطر آنکه بیان یعنی وجود قطع یا اطمینان یا آنچه که در قوه‌ی آنها است ولی ظنّ نه عقلاً حجّت است و نه شرعاً. بنابراین قبح عقاب بلا بیان در طرف احتمال اهم نیز جاری است حتی بنابر مسلک مرحوم عراقی که قائل است علم اجمالی علت تامه‌ی تنجّز است؛ به دلیل آنکه علیّت آن برای تنجّز به مقدار معلوم آن است و علم اجمالی حاصل شده در ما نحن فیه، به جامع بین فعل و ترک تعلق دارد و ما نسبت به یک طرف بما هو، قاعده‌ی قبح بلا بیان را جاری می‌کنیم، بنابراین مانعی از جریان قاعده‌ی قبح بلا بیان وجود ندارد.

بررسی صورت قوّت محتمل در یک طرف

صورت دیگر آن است که امر دائر بین محذورین است و احتمال هر یک از طرفین مساوی است ولی محتمل یک طرف قوی‌تر از دیگری است. فرض کنید مکلفی قسم به سفر در سه‌شنبه‌ی خاصی یاد کرده است (فعلاً أو ترکاً) ولی اگر این قسم مربوط به انجام سفر باشد اهمّیت بیشتری دارد و اگر قسم متعلق به ترک سفر باشد درجه‌ی اهمّیت آن کمتر است، آیا در چنین جایی باز می‌توان در طرفین براءت جاری کرد یا اینکه ما نحن فیه مانند دوران امر بین تعیین و تخییر است و لذا باید جانب محتمل الاهمّیه را اخذ کرد؟ به نظر ما در هر یک از دو طرف، براءت جاری است ولو محتمل یک طرف اقوی باشد، همان‌طور که در شبهه‌ی بدویه‌ای که محتمل آن قوی است براءت جاری می‌شود. علم به جامع نیز در ما نحن فیه تأثیری

ندارد.

اما اگر کسی براءت شرعی را در طرفین جاری ندانست و براءت عقلی را نیز نپذیرفت، شکی نیست که قوت محتمل موجب احتیاط عقلی می‌شود؛ یعنی به حکم عقل باید احتیاط شود. اگر کسی قائدهی قبح عقاب بلا بیان را پذیرفت، این قاعده در صورت قوت محتمل یکی از طرفین همچنان جاری است؛ زیرا قوت محتمل، بیان محسوب نخواهد شد.

مبنای آخوند رحمته‌الله در طرف محتمل الاهیة

مرحوم آخوند معتقدند با وجود پذیرش جریان براءت شرعی در دوران بین محذورین، اگر محتمل در یک طرف دارای اهمیت بیشتر باشد همانند دوران امر بین تعیین و تخییر است و باید در طرف دارای قوت محتمل، احتیاط نمود.

توضیح بیشتر کلام آخوند

ابتدا مناسب است دوران امر بین تعیین و تخییر، تبیین شود. دوران امر بین تعیین و تخییر انواعی دارد، اما آنچه به نظر می‌رسد در اینجا مورد نظر مرحوم آخوند بوده است یکی از دو قسم است:

۱- در مقام امتثال و سقوط تکلیف گاهی امر دائر بین فردی معیناً و یا همان فرد و سایر افراد مخیراً می‌شود. فرضاً کسی که عمداً در ماه مبارک رمضان افطار کرده است احتمال دارد کفاره‌ی او خصوص عتق رقبه باشد یا عتق رقبه، اطعام ستین مسکین یا صوم ستین یوم، هر کدام را انجام دهد کافی است. بلی در فرض اول اگر نتوانست عتق رقبه کند نوبت به اطعام ستین مسکین یا صوم ستین یوم می‌رسد. بنابراین دوران امر بین تعیین و تخییر خواهد بود؛ یعنی احتمال می‌رود خصوص عتق رقبه بر او واجب باشد و احتمال نیز داده می‌شود که کفاره‌ی او یکی از سه امر باشد. مشهور در اینجا قائل به احتیاط هستند؛ یعنی کفاره را در قالب عتق رقبه انجام دهد؛ زیرا قطعاً کفاره‌ی او بر ذمه‌ی او آمده است و شک دارد با اطعام ستین مسکین یا صوم ستین یوم وظیفه‌اش ساقط می‌شود یا خیر، اشتغال یقینی براءت یقینی لازم دارد و نمی‌تواند به یکی از این دو اکتفا کند، در حالی که اگر عتق رقبه انجام دهد قطعاً ذمه‌ی او بری خواهد بود.

مثال دیگر این فرض می‌تواند قضیه‌ی تقلید باشد؛ به این صورت که آیا مکلف باید متعیناً از اعلم تقلید کند یا اینکه می‌توان از اعلم و یا اعلم پس از او و دیگر مجتهدین تقلید کرد. در حقیقت امر دائر بین تعیین و تخییر است.

۲- فرد دیگر از دوران امر بین تعیین و تخییر، آن است که گاهی فرد در شرایطی قرار می‌گیرد که دو

تکلیف متوجّه او می‌شود و هر دو تکلیف دارای ملاک هستند اما این مکلف دارای قدرتی نیست تا هر دو تکلیف را امتثال کند، لامحاله باید یکی را انتخاب کند، ولی ممکن است یکی دارای اهمیت بیشتر و یا قطعی‌الاهمّیه باشد.

فرض کنید فردی مشاهده می‌کند دو مؤمن در حال غرق شدن هستند. وظیفه‌ی اصلی، نجات هر دو مؤمن است زیرا شارع راضی به هلاکت هیچ‌یک نیست، اما این مکلف قدرت بر نجات هر دو ندارد. اگر هر دو مساوی باشند این مکلف مخیر به نجات یکی از دو مؤمن است اما اگر یکی از آن دو پیامبری از پیامبران الهی بود یا کسی بود که در نظر شارع دارای اهمّیت است، مکلف باید او را انتخاب کند و حتی اگر یکی از آن دو دارای احتمال اهمّیت باشد باز هم در آنجا گفته می‌شود باید محتمل‌الاهمّیه اتیان شود و مهم رها شود. در حقیقت آنجا نیز مصداقی از مصادیق دوران امر بین تعیین و تخییر است؛ زیرا احتمال می‌دهد هر کدام را که نجات دهد کافی است و احتمال نیز می‌رود که وظیفه‌ی او به صورت معین، نجات محتمل‌الاهمّیه باشد، بنابراین باید احتیاط کند.

مرحوم آخوند ما نحن فیه را به صورت دوم تشبیه کرده‌اند و فرموده‌اند وقتی یک طرف احتمالاً دارای قوّت ملاک باشد مانند دو تکلیف متزاحم است که یک طرف آن محتمل‌الاهمّیه است و عقل می‌گوید معیناً باید محتمل‌الاهمّیه آورده شود.

ظاهر توضیح کفایه آن است که این سخن از مرحوم آخوند مربوط به موردی است که یک طرف دارای محتمل‌اقوی است و لعلّ در صورت قوّت احتمال در یک طرف، مرحوم آخوند چنین مطلبی را قائل نباشند.

مقرّر: سید حامد طاهری